

## نظریات مختلف پیرامون کیفیت معاد

حکیمه خیراندیش<sup>۱</sup>، محمد مهدی کریمی نیا<sup>۲</sup>، محمد حسین احمدی<sup>۳</sup>، مجتبی انصاری مقدم<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> طلبه سطح سه (کارشناسی ارشد)، رشته کلام اسلامی، حوزه علمیه جامعه الزهرا (س) قم، استان قم، ایران

<sup>۲</sup> استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم، استان قم، ایران (نویسنده مسئول)

<sup>۳</sup> دانش آموخته مقطع کارشناسی رشته حقوق از مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، قم، طلبه سطح چهار (دکتری)، رشته فقه و اصول، قم

<sup>۴</sup> . دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، ایران، مدرّس گروه علوم قرآن و حدیث

### چکیده

معاد یکی از اصول اعتقادی اسلام است. اهتمام قرآن کریم به این مسئله در حدی است که به گفتن محققین آیات قرآن به این مسئله و جوانب مختلف آن اختصاص یافته است. معاد از جهات مختلف قابل بررسی است. این تحقیق به نظرات مختلف پیرامون کیفیت معاد پرداخته است. در این تحقیق مباحثی چون مفهوم معاد اهمیت و کیفیت معاد از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. ۱- معاد جسمانی: گروهی از متکلمان عقیده دارند که در روز قیامت فقط جسم است که محشور می‌شود و روح را مانند جسم لطیفی که در بدن جریان دارد می‌پندارند. ۲- معاد روحانی: گروهی از فلاسفه به خصوص پیروان مکتب مشاء معتقدند که فقط روح انسان در قیامت محشور می‌شود. ۳- معاد جسمانی و روحانی: گروهی از حکما و عرفا و برخی از دانشمندان علم کلام و شخصیت‌هایی مانند شیخ طوسی و سید مرتضی و خواجه نصیرالدین طوسی و علامه حلی به هر دو معاد معتقدند و می‌گویند؛ روح در سرای دیگر به بدن بازگشت می‌کند که دارندگان این نظر هم به دو گروه تقسیم می‌شوند. گروهی می‌گویند؛ روح در سرای دیگر به بدن طبیعی و عنصری برمی‌گردد که آیات قرآن هم به روشنی از این نظریه پشتیبانی می‌کند و گروه دیگری می‌گویند روح به بدن مثالی و برزخی برمی‌گردد. و نظریه‌ی صحیح معاد جسمانی و روحانی است.

واژه‌های کلیدی: نظریات، کیفیت، معاد، پیرامون

## مقدمه

در اهمیت مسأله معاد همین بس که اعتقاد به معاد یکی از اصول اساسی شرایع آسمانی است بطوری که اگر در شریعتی اعتقاد به معاد نباشد آن شریعت یک ملک مادی تلقی می‌گردد. در شریعت و جهان‌بینی اسلامی معاد جایگاهی بس والا دارد تا آنجا که ایمان به روز جزا و زندگی جاوید یکی از ارکان اساسی و اصول پنج‌گانه‌ی دین مبین اسلام بوده و شرط مسلمانی است و منکر آن از زمره مسلمانان خارج است. این اصل از چنان اهمیتی برخوردار است که تقلید در آن جایز نبوده و اعتقاد به آن باید از روی تحقیق و تتبع صورت گیرد و مبتنی بر دلیل و برهان باشد و اطلاع از کم و کیف آن به مقداری که آیات و روایات نشانگر آن است بر هر مسلمانی لازم و بلکه واجب است. مکتب پیامبران الهی بر اساس دو پایه اصلی استوار است که ایمان به مبدأ و معاد است و هدفی که در رأس برنامه‌های تربیتی انبیاء قرار داشته و برایش سعی و تلاش فراوان کردند و رنج‌های زیادی متحمل شدند این بوده که انسان‌ها را به آفریدگار جهان و روز جزا آشنا کنند. چون ایمان به خدا پایه اصلی سعادت بشر است و قیود بندگی‌ها می‌گسلد و آدمی را آزاد می‌کند و ایمان به روز جزا و دادگاه الهی و اینکه اعمال انسان از ریز و درشت در آن روز بر انسان عرضه خواهد شد حس مسئولیت را در انسان بیدار می‌کند و مردم را به راه وظیفه‌شناسی سوق می‌دهد.

## ۱- مفهوم شناسی

## ۱-۱- نظریات در لغت:

عقیده، حدس (معین، ۱۳۶۰: ۴۷۵۳) نگرش، تماشا، قضیه تثبیت برهان (مشیری، ۱۳۷۶: ۱۱۰۱؛ الجری، ۱۳۷۶: ۱۲۱۱/۲).

## ۱-۲- پیرامون در لغت:

گرداگرد اطراف و دوروبر چیزی یا جایی (عمید، ۱۳۶۳: ۲۶۴) اطراف و گرد چیزی، حوالی، حول (دهخدا، ۱۳۳۴: ۱۲/۶۴۳).

## ۱-۳- کیفیت در لغت:

چگونگی چونی صفت و حالت و چگونگی چیزی (عمید، ۱۳۶۳: ۸۵۵).

چگونگی و حالت و وصفی که حاصل باشد در چیزی، صفت و چگونگی (دهخدا، ۱۳۳۴: ۱۲/۴۷۷).

## ۱-۴- کیفیت در اصطلاح:

چگونگی؛ این صفت از صفات سلبیه خداوند است که حضرتش از آن منزّه می‌باشد. امام صادق (ع) فرمودند: چگونه خدای را به "کیف" وصف نمایم در صورتی که او خود کیفیت را چگونه ساخته است و من چگونگی را بدان گونه که ساخته می‌دانم (بحار/۴/۲۷۹) (حسینی دشتی، ۱۳۶۹: ۴/۱۸۸۷).

## ۱-۵- معاد در لغت:

هر چیزی که به سوی او بازگشت است (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۲۶۰/۹) مرجع و برگشتگاه (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲/۲۱۷) بازگشتن گاه (دهخدا، ۱۳۳۴: ۳۲/۶۵۶) جای بازگشت و جهان آخرت (الجری، ۱۳۷۶: ۲/۱۹۲۴).

## ۱-۶- معاد در اصطلاح

به معنای زمان یا مکان بازگشتن انسان است، به آنجا که منشاء آمدن او بوده یعنی جهان فوق طبیعت این جهان و جهانی که اختیار آن کلاً به دست سازنده آن است و بشر را در اداره و ساختار آن اختیاری نمی‌باشد. (حسینی دشتی، ۱۳۶۹: ۲/۱۵۷۲).

## ۲- کیفیت معاد در سرای دیگر

دلایل عقلی و نقلی به روشنی ثابت می‌کند که مرگ انسان پایان زندگی او نیست بلکه برای او پس از مرگ حیات دیگری وجود دارد که از آن در اصطلاح دانشمندان علم کلام به معاد تعبیه شده است. اکنون باید دید کیفیت زندگی مجدد چگونه است؟! آیا جسمانی است یا روحانی و در صورت تحت آیا بدن اخروی عین همان بدن طبیعی است که در این جهان با آن زندگی می‌کرد یا بدنی لطیف‌تر است؟ برای آگاهی بیشتر اقوال و نظرات دانشمندان را در اینجا یادآور می‌شویم:

## ۲-۱- معاد جسمانی:

گروهی از متکلمان شیوهی معاد را تنها جسمانی دانسته‌اند و به وجود روحی جز جسم و مکانیسم بدن به چیز دیگری معتقد نیستند و در حقیقت روح در نظر آنها جسم لطیفی است که در بدن جریان دارد و بسان آتش در ذغال آب در گل می‌باشد (سبحانی، ۱۳۶۳: ۱۱۶).

و ادله اینان به ادعای آنها عقل و نقلی است و اما ادله عقلی آنها عباراتی است که عبارت آخری قول معتقدین به معاد روحانی می‌باشد و اما دلایل نقلی آنها آیات شریفه‌ای از قرآن از جمله روز قیامت خواهد آمد و من می‌ترسم در آن روز نفس به جزای سعی و عملش برسد.

## ۲-۲- نقد:

ادله عقلی پیروان معاد جسمانی فقط بطوری که گفته شد بسان پیروان معاد روحانی است و ادله نقلی آیه‌ی مذکور از قرآن می‌باشد که به طور کلی دلالت بر معاد اعم از جسمانی و روحانی دارند. اما در نقد این نظریه می‌توان گفت: آیه‌ای که بیان کردند فقط دال بر معاد جسمانی نیست و با صداقت یا به صورت ضمنی دلالت بر فقط معاد جسمانی نمی‌کند (شفایی، ۱۳۵۵: ۲).

## ۲-۳- معاد روحانی:

بسیاری از فلاسفه پیشین طرفدار این عقیده بودند و می‌گفتند: به هنگام مرگ روح برای من همیشه از بدن جدا می‌شود و در عالم ارواح باقی می‌ماند بنابراین مسأله‌ی معاد اصولاً مفهومی ندارد و بازگشتی در کار نیست بلکه روح به بقای خودم چنان ادامه می‌دهد. آنها معتقد بودند همانطور که جوجه برای مدتی نیاز دارد که درون پوست تخم مرغ زندگی کند و جنین در شکم مادر و هنگامی که دورانی تکاملی خود را در آن طی کردند و از آن جدا شدند دیگر هرگز به آن باز نمی‌گردند. انسان نیز چنین است بنابراین تمام پاداش‌ها و کیفرها لذت‌ها و ناراحتی‌های پس از مرگ و جهان دیگر هم جنبه‌ی روحانی دارد (مکارم شیرازی، ۲۱۰/۲).

## ۲-۴- نقد:

در نقد این نظریه مجلسی در بحار و محقق دوانی در شرح عقاید گوید عقیده به معاد روحانی و جسمانی با هم از ضروریات دین است و منکر معاد و اینکه شخص معتقد به معاد روحانی (فقط) باشد کافر است و امام صادق (ع) فرمودند: جمع بین ایمان و انکار به معاد جسمانی ممکن نیست مسلماً منظور امام معاد جسمانی و روحانی با هم بوده و ملا سعد سرده تفتازانی در شرح مقاصد گوید: شیعه و کمترین از مسلمین عقیده به معاد جسمانی و روحانی با هم دارند (شفایی، ۱۳۵۵: ۳).

## ۲-۵- معاد جسمانی و روحانی

گروهی از حکماء و عرفا و برخی از دانشمندان علم کلام و شخصیت‌هایی از علماء امامیه مانند: شیخ مفید شیخ طوسی و سید مرتضی ... به هر دو معاد معتقدند و می‌گویند روح در سرای دیگر به بدن بازگشت می‌کند. بازگشت روح به بدن در سرای دیگر و جهان بالاتر تحقق می‌پذیرد اجزاء پراکنده‌ی بدن یا امر الهی و جمع و جور شده و بدن انسان را تشکیل می‌دهند. معاد جسمانی و روحانی یعنی همانگونه که در دنیا بدن انسان مرکب از جسم و جان است. در آخرت نیز همانگونه خواهد بود. گروهی از حکماء عرفا و برخی از دانشمندان علم کلام و شخصیت‌هایی مانند شیخ طوسی سید مرتضی خواجه نصیرالدین طوسی و علامه حلی به هر دو معاد معتقدند و می‌گویند: روح در سرای دیگر به بدن بازگشت می‌کند که دارندگان این نظر هم به دو گروه تقسیم می‌شوند:

۱- گروهی که می‌گویند روح در سرای دیگر مثالی و برزخی که لطیف است و جرم و ماده ندارد اما از مقدار و شکل برخوردار است؛ تعلق می‌گیرد و این بدن لطیف به گونه‌ای عین بدن دنیوی است و هر کس آن را ببیند می‌گوید: این همان انسانی است که در دنیا زندگی می‌کرده ولی از این نظر که دارای جرم و ماده نیست و قابلیت فعل و انفعال فیزیکی و شیمیایی ندارد با آن تفاوت دارد.

۲- گروهی دیگر می‌گویند روح در سرای دیگر به بدن عنصری و طبیعی که دارای فعل و انفعال طبیعی و شیمیایی است بازمی‌گردد (سبحانی، ۱۳۷۲: ۴۹۱).

## ۳- بررسی نظر صحیح

اکنون وقت آن رسیده است که ببینیم از میان این نظرات کدام صحیح و پابرجاست؟

## ۳-۱. منطق اسلام درباره کیفیت معاد

می‌دانیم مهمترین منبع برای مسائل اسلامی قرآن مجید است، این کتاب آسمانی در همه جا با صداقت از معاد جسمانی (البته توأم یا روحانی) سخن می‌گوید و کمترین آشنایی با آیات قرآن برای نفی انحصار معاد در معاد جسمانی یا معاد روحانی کافی است (مکارم شیرازی، بیتا).

## ۳-۲. گواهی قرآن

آیات قرآن به روشنی گواهی می‌دهد که معاد انسان‌ها تنها روحانی نبوده بلکه روحانی و جسمانی است و جسمی که روح به آن تعلق خواهد گرفت؛ همان جسم عنصری است. ما از میان آیات فراوان تنها به نقل قسمت کمی اکتفا می‌کنیم:

۱- یک رشته از آیات در پاسخ کسانی که زنده شدن استخوان‌ها را امری محال می‌پنداشتند چنین می‌گوید: «قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ» بگو استخوان‌ها را آن کسی که آنها را برای بار نخست آفرید زنده می‌کند و او به همه مخلوقات خود دانا است (یس/۷۹).

«أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَاتَهُ» آیا انسان تصور می‌کند که ما استخوان‌های او را جمع نخواهیم کرد چرا ما تواناییم انگشتان او را بسازیم (قیامت/۴۳). در تفسیر این دو آیه آمده است: که کلمه حسابان که مصدر فعل یحسب است به معنای ظن (پندار) است و اگر استخوان را به صیغی جمع آورد و فرمود: انسان گمان کرد که ما استخوان‌هایش را جمع نمی‌کنیم برای آن بود که کنایه باشد از زنده کردن همه مردگان و استفهام در این آیه توبیخی است. در آیه‌ی بعد می‌فرماید: آری ما استخوان‌ها را جمع می‌کنیم در حالی که قادریم حتی انگشتان او را به همان صورتی که برحسب خلقت اول داشت دوباره صورتگری کنیم (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۱۶۴۲؛ عادیات).

«وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ» در صور دمیده می‌شود. پس ناگهان از قبرها به سوی پروردگار خود می‌شتابند (یس/۵۱).

در تفسیر این آیه آمده است بعد از ۴۰ سال بار دیگر در صور دمیده می‌شود (مراد نفخه احیا می‌باشد) پس آنگاه ایشان از قبرها بیرون آمده به سوی پروردگار خود یعنی به موضعی که حکم الهی صادر شده باشد نه حکم غیر او می‌شتابند. (مراد صحرای قیامت است) (کاشانی، ۱۳۴۴: ۴۸۹/۲).

۲- یک رشته از آیات گواهی می‌دهند که انسان روز قیامت از قبر برخاسته و پای محاسبه می‌آید آنجا که می‌فرماید: «أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ» آیا نمی‌داند هنگامی که انسان‌ها از قبر برانگیخته می‌شوند (عادیات/۹). قرآن در آیات مختلفی بر امکان تحقق زندگی مجدد انسان استدلال می‌کند. گاهی از طریق توجه به زندگی نخست بار دیگر با نشان دادن صحنه رستاخیز در زمین‌های مرده و بار دیگر نیز با ارائه نمونه‌هایی از احیاء مردگان بر امکان معاد استدلال می‌کند و به روشنی گواهی می‌دهند که حیات مجدد انسان با بدن عنصری و مادی همراه خواهد بود.

## ۴- کیفیت معاد در احادیث اسلامی

از سخنان امیرمؤمنان در نهج‌البلاغه به روشنی استفاده می‌شود که معاد در سرای دیگر با بدن طبیعی و عنصری صورت خواهد پذیرفت.

«أَخْرَجَهُمْ مِنْ ضَرَائِحِ الْقُبُورِ وَ أَوْكَارِ الطُّيُورِ وَ أَوْجَرَةِ السَّبَاعِ وَ مَطَارِحِ الْمَهَالِكِ سِرَاعاً إِلَىٰ أَمْرِهِ مُهْطِعِينَ إِلَىٰ مَعَادِهِ رَعِيلاً صُمُوتاً قِيَاماً صُفُوفاً» (نهج‌البلاغه/۸۰)

مردگان را از دل گورها و لانه‌های پرندگان و خانه‌های درندگان و جاهای هلاکشان بیرون کرده در حالی که به سوی فرمان خدا می‌شتابند و به محل بازگشت خود مبادرت نمایند.

«وَأَخْرَجَ مِنْ فِيهَا فَجَدَدَهُمْ بَعْدَ إِخْلَاقِهِمْ وَ جَمَعَهُمْ بَعْدَ تَفَرُّقِهِمْ» (نهج‌البلاغه/۱۰۵)

بیرون می‌آورد کسانی را که در زمین نهفته‌اند آفرینش آنان را پس از کهنه شدن تجدید کرده و همه را پس از پراکندگی گرد آورده است.

«وَأَعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ لِهَذَا الْجِلْدِ الرَّقِيقِ عَلَى النَّارِ، فَأَرْحَمُوا أَنْفُسَكُمْ» (نهج البلاغه/۱۸۳)  
بدانید برای این پوست نازک صبر و بردباری بر آتش نیست پس به خودتان رحم کنید.

### نتیجه‌گیری

از بیانات قرآن این حقیقت به خوبی برمی‌آید که از زمان آفرینش آدم (ع) مسئله معاد و حیات بعد از مرگ مطرح بوده است حتی ابلیس هم به این امر اعتراف داشته است و بعد از حضرت آدم (ع) نیز پیامبران الهی که مأمور هدایت بشر و اقوام مختلف بوده‌اند آنها را به حیات بعد از مرگ و زندگی آخرت توجه داده‌اند به طوری که این مسئله برای تمام اقوام مختلف بوده‌اند آنها را به حیات بعد از مرگ و زندگی آخرت توجه داده‌اند به طوری که این مسئله برای تمام اقوام و ملل که پیامبران به سوی آنها مبعوث شدند یک مسئله آشنا بوده است لذا انکار معاد انکار یکی از ضروریات دین است. همان‌طور که بیان گردید در مورد کیفیت وقوع معاد نظریات مختلفی وجود دارد. ۱- معاد جسمانی ۲- معاد روحانی ۳- معاد جسمانی و روحانی که نظر صحیح همین نظر سوم بوده و آیات قرآن مؤید همین نظریه است حال آنکه می‌دانیم مهمترین منبع برای شناسایی مسائل اسلامی قرآن است آیات فراوانی از قرآن به روشنی گواهی می‌دهد که معاد انسان‌ها تنها روحانی یا جسمانی نبوده است. بلکه جسمانی روحانی (توأم با هم) است و آیاتی که بیانگر این مسئله است در جای خود بررسی شد.

### منابع و مآخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

- ۱- ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب دار احیاء التراث الاسلامی، بیروت ۱۴۰۸ ه ق.
- ۲- الجرجلی، فرهنگ لاروس؛ ترجمه سید حمید طبیبیان، انتشارات امیرکبیر تهران ۱۳۶۷ ه ش.
- ۳- حسینی دشتی، سید مصطفی؛ معارف و معاریف، اسماعیلیان، قم ۱۳۶۹.
- ۴- دهخدا علی‌اکبر، لغت‌نامه، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۴۱.
- ۵- سبحانی، جعفر؛ الهیات و معارف اسلامی، مؤسسه امام صادق (ع)، قم ۱۳۷۲ ه ش.
- ۶- \_\_\_\_\_؛ خدا و معاد، دفتر تبلیغات اسلامی، قم ۱۳۶۳ ه ش.
- ۷- شفائی، محسن؛ معاد، بی‌جا ۱۳۵۵ ه ش.
- ۸- طباطبایی، سید محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه؛ سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم ۱۳۶۳ ه ش.
- ۹- عمید، حسن؛ فرهنگ عمید، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۶۳ ه ش.
- ۱۰- فراهیدی، خلیل بن احمد؛ العین دار الحجره، قم ۱۴۰۹ ه ق.
- ۱۱- کاشانی، ملا فتح‌الله؛ تفسیر منهج الصادقین فی الذام المخالفین، کتاب‌فروشی اسلامیه، تهران ۱۳۴۴ ه ش.
- ۱۲- مشیری، مهشید؛ فرهنگ زبان فارسی، سروش انتشارات صدا و سیما، تهران ۱۳۷۶ ه ش.